

مبانی آینده‌پژوهی از نگاه فلاسفه اسلامی

www.ketab.ir

دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

تهران - ۱۳۹۸

سرشناسه	تقوی نسب، سیدعلی، ۱۳۶۷ -
عنوان و نام پدیدآور	مبانی آینده پژوهی از نگاه فلاسفه اسلامی / مولف سیدعلی تقوی نسب، عبدالمجید کرامت زاده؛ ویراستار سمیه سلیمیان؛ ناظر ویراستاری رضا خدایی، امیر هوشنگ خادم دقیق.
مشخصات نشر	تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، مرکز انتشارات راهبردی، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۲۰۱ ص.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۶۳۵۰-۸۷-۷
وضعیت فهرست نویسی	فیب
یادداشت	کتابنامه: ص ۱۹۷ - ۲۰۱.
موضوع	آینده پژوهی -- فلسفه
موضوع	Forecasting -- Study and teaching -- Philosophy
موضوع	فیلسوفان اسلامی -- دیدگاه درباره آینده نگری
موضوع	-- Views on forecasting Muslim philosophers
شناسه افزوده	کرامت زاده، عبدالمجید، ۱۳۲۹ -
شناسه افزوده	دفاع ملی و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، مرکز انتشارات راهبردی
رده بندی کنگره	B158
رده بندی دیویی	۳۰۲
شماره کتابشناسی ملی	۶۳۷۵۲



مبانی آینده پژوهی از نگاه فلاسفه اسلامی

تألیف: سید علی تقوی نسب، عبدالمجید کرامت زاده

ویراستار: سمیه سلیمیان، رضا خدایی

ناظر ویراستاری: امیر هوشنگ خادم دقیق

صفحه آرا: مجتبی امینی

طراح جلد: زهرا مهدوی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۸

ناشر: انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۰۰۰۰ ریال

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است.

انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

نشانی انتشارات: تهران، ضلع شمالی بزرگراه شهید بابایی، بعد از اتوبان هنگام،

دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی

نشانی اینترنتی: www.sndu.ac.ir

تلفن ۲۲۹۷۰۳۴۳

فهرست مطالب

۱۳	 مقدمه
۱۹	فصل اول: آینده‌پژوهی و شأن معرفت‌شناختی گزاره‌های مربوط به آینده.....
۲۱	۱-۱ مقدمه.....
۲۵	۲-۱ دلالت‌های معرفت‌شناسانه و هستی‌شناسانه مسئله امکان استقبالی برای آینده‌پژوهی.....
۲۷	۳-۱ مواد قضایا: وجوب، امکان و امتناع.....
۲۷	۱-۳-۱ انواع معانی ضرورت در فلسفه اسلامی.....
۲۷	۱-۳-۱-۱ ضرورت ازلیه.....
۲۸	۱-۳-۱-۲ ضرورت ذاتی.....
۲۸	۱-۳-۱-۳ ضرورت وصفیه.....
۲۸	۱-۳-۱-۴ ضرورت وجودیه.....
۲۸	۲-۳-۱ انواع معانی امکان در فلسفه اسلامی.....
۲۹	۱-۲-۳-۱ امکان شایع.....
۳۰	۲-۲-۳-۱ امکان عام.....
۳۰	۳-۲-۳-۱ امکان وقوعی.....
۳۰	۴-۲-۳-۱ امکان استعدادی.....
۳۱	۵-۲-۳-۱ امکان استقبالی.....
۳۲	۴-۱ سیر تاریخی مبحث امکان استقبالی در فلسفه اسلامی.....
۳۲	۱-۴-۱ دیدگاه ارسطو.....
۳۶	۲-۴-۱ دیدگاه فارابی.....
۴۵	۳-۴-۱ دیدگاه ابن‌سینا.....
۴۹	۴-۴-۱ امکان استقبالی در فلسفه اسلامی پس از ابن‌سینا.....
۵۲	۵-۴-۱ دیدگاه مرتضی مطهری.....
۵۶	۵-۱ نتیجه‌گیری.....
۵۸	یادداشت‌های فصل اول.....
۶۱	فصل دوم: جبر و اختیار و مبانی آینده‌پژوهی.....
۶۳	۱-۲ مقدمه.....
۶۴	۲-۲ رابطه مسئله اختیار و گزاره‌های مربوط به آینده.....
۶۵	۳-۲ جبر و اختیار و معانی آنها.....
۶۸	۱-۳-۲ ویژگی‌های علم الهی.....
۶۹	۴-۲ نظر متکلمین درباره جبر و اختیار.....

۷۰	۵-۲ دیدگاه خواجه طوسی درباره جبر و اختیار
۷۴	۶-۲ دیدگاه ابن عربی درباره جبر و اختیار
۷۷	۷-۲ دیدگاه ملاصدرا درباره جبر و اختیار
۷۹	۸-۲ جبر و اختیار در فلسفه اسلامی متأخر
۸۲	۹-۲ بررسی ادله

فصل سوم: فلسفه تاریخ و مبانی آینده‌پژوهی

۸۷	۱-۳ مقدمه
۸۹	۲-۳ دیدگاه‌های مختلف درباره فلسفه تاریخ
۸۹	۳-۱ فلسفه تاریخ عرفی و خطی
۹۲	۳-۲-۲ فلسفه تاریخ عرفی و دوری
۹۲	۳-۲-۳ فلسفه تاریخ قدسی و دوری
۹۵	۳-۲-۴ فلسفه تاریخ قدسی و خطی
۱۰۰	۳-۳ فلسفه تاریخ آینده‌پژوهی
۱۰۱	۳-۴ زمان: واقعی یا مودم
۱۰۵	۳-۵ زمان از نظر فلاسفه اسلامی
۱۰۸	۳-۶ زمان از نظر عرفای اسلامی
۱۰۸	۳-۶-۱ نظریه موهوم بودن زمان نزد عرفا
۱۰۹	۳-۶-۲ زمان نزد ابن عربی
۱۱۶	۳-۶-۳ نظریه وجودی و سلسله‌مراتبی زمان
۱۲۳	۳-۷ نتیجه‌گیری
۱۲۴	یادداشت‌های فصل سوم

فصل چهارم: آرمان‌شهر و مبانی آینده‌پژوهی

۱۳۱	۴-۱ مقدمه
۱۳۳	۴-۲ ویژگی‌های آرمان‌شهر
۱۳۵	۴-۳ حکمت عملی و آرمان‌شهر
۱۳۷	۴-۴ مدینه فاضله در آرای فارابی
۱۴۱	۴-۴-۱ انواع مدینه‌های فاسد از نظر فارابی
۱۴۲	۴-۴-۱-۱ مدینه جاهلیه
۱۴۴	۴-۴-۱-۲ مدینه فاسده
۱۴۴	۴-۵ مدینه فاضله و آرمان‌شهر
۱۴۶	۴-۶ سه‌روردی و مرگ اندیشه سیاسی-اجتماعی در فلسفه اسلامی
۱۵۰	۴-۷ خواجه‌نصیرالدین طوسی و حکمت عملی

۱۵۲	یادداشت‌های فصل چهارم
۱۵۷	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۱۶۷	پیوست‌ها
۱۶۹	پیوست ۱: آینده‌پژوهی از دیدگاه سید حسین نصر
۱۸۱	پیوست ۲: مکاتبه با پروفیسور وندل بل
۱۸۷	واژه‌نامه
۱۹۰	منابع و مآخذ

www.ketab.ir

مقدمه

اگر هر تفکری را تنها در بستر گفتگوی سازنده و پویا با سنت امکان پذیر بدانیم، آنگاه تحقیق در این مطلب نیز ضروری می نماید که دریابیم نظرگاه منظومه فکری سنت فلسفه اسلامی در قبال تحولات معرفتی و علوم مختلف چگونه است.

آینده پژوهی، علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب دانسته اند. آینده پژوهان در پی کشف ابعاد ارائه، آزمون و ارزیابی آینده های ممکن، محتمل و بهتر هستند تا بدین وسیله انسان بتواند آینده مطلوب، خویش را شکل دهد (اسلاتر و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۰). حال این سؤال بجا است که چه ربطی هست میان این رشته که زاینده جهان جدید است، با سنت فکری فلسفه اسلامی وجود دارد؟ آیا از جاکه مفروضات و مسلمات آینده پژوهی در سنت فلسفه اسلامی مفقود است، نیازمند کسب اساسی در نحوه تفکرمان برای تأسیس این علم هستیم؟ یا می توان در این سنت شاید هم‌دل با این مفروضات و عقلانیتی معطوف به آینده باشیم؟ اگر در فلسفه اسلامی، امکان طرح چنین نظرگاهی موجود نیست دقیقاً کدام عوامل و عناصر سبب این امر هستند؟ و اگر شرایط تأسیس این علم در فلسفه اسلامی موجود است و موانع معرفتی مفقود، مکانیسم های فعلیت بخشیدن به این نگاه و تحقق آن کدام است؟ از سوی دیگر آیا می توان بر اساس این مفروضات و مصادی متفاوت آینده پژوهی جدیدی را سامان داد؟ این آینده پژوهی چه شکل و صورتی خواهد داشت؟

باید پذیرفت که تا با سنت فکری خویش تسویه حساب نکنیم و شرایط امکان یا امتناع نگاه به آینده را در آن نکاویم نخواهیم توانست پنجره ای رو به آینده بگشاییم. در شرایط جهل به سنت، در برزخ نگاه های سطحی در خویش فرو بسته خواهیم ماند. چنانکه «ریچارد

اسلاتر^۱ می‌گوید: «یکی از موارد خاص و مهم برای مطالعه منتقدانه آینده، تحلیل منتقدانه مباحث درسی و علایق نظری و نیز نقد فرضیات جهان بینی کنونی و اقداماتی است که بر اساس این نقد باید انجام شود» (ریک اسلاتر و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۸۹).

آینده‌پژوهی مقولات و مفروضاتی بنیادین دارد. از همین رو هر حکمی درباره نسبت فلسفه اسلامی با آینده و آینده‌پژوهی باید ضمن تفکیک این عوامل از هم به‌طور جداگانه غت‌وسین هر کدام از مقولات را بسنجد.

«دلیل»^۲ در کتاب مبانی آینده‌پژوهی^۳ برای آینده‌پژوهی^۴ نه پیش‌فرض اصلی برمی‌شمارد: ۱- انسان امری خطی و پیوسته و برگشت‌ناپذیر است. ۲- آینده منحصر به فرد است. ۳- آینده‌اندیشی برای عمل انسان ضروری است. ۴- دانش به آینده مفیدترین دانش است. ۵- نمی‌توان عمری معطوف به‌واقع از آینده داشت، اما می‌توان دانشی حدسی درباره آینده داشت. ۶- آینده نامعین است. ۷- آینده تحت تأثیر فعل انسان است. ۸- پدیده‌ها در جهان به هم وابسته و غالب دارند. ۹- برخی از آینده بهتر از دیگر آینده‌ها هستند (Bell, 2003: 162-163).

تقسیم‌بندی وندل بل از مفروضات آینده‌پژوهی به‌صورت وسیعی میان اندیشه‌ورزان این رشته مقبول واقع شده است. بر همین مبنا ما نیز این تقسیم‌بندی را به‌صورت روشی پذیرفته و مباحث خود را با مفروض قرار دادن این تقسیم‌بندی^۵ پیش برده‌ایم.

تقسیم‌بندی وندل بل از مبانی آینده‌پژوهی مبتنی بر استعراء و استصاء است. به همین دلیل همه این‌ها اصل را نمی‌توان در یک مرتبه و در عرض هم قرار داد و قسیم هم دانست. درواقع گزاره‌های ۱ و ۲ و ۵ و ۶ با یکدیگر تلازم منطقی دارند و اجمال و تفصیل یکدیگر هستند. گزاره یک بیانگر این نکته است که زمان در مسیری پیوسته و بدون بازگشت رو به‌پیش می‌رود. چنان‌که در فصل سوم خواهیم دید این تلقی خاص از زمان

1- Richard Slaughter

2- Wendel Bell

3- Foundations of Futures Studies

مصادیق یکی از ۴ نوع اصلی فلسفه تاریخ است که در برابر نگاه دوری به تاریخ قرار دارد که بر آن است که حوادث آینده در سیری سلسله وار تکرار می شوند. بر همین مبنا، از این گزاره می توان به گزاره دو رسید؛ یعنی آینده منحصر به فرد است. از آنجاکه حوادث تاریخی برگشت ناپذیر هستند و نمی توان آنچه را که در آینده رخ می دهد به آنچه در گذشته رخ داده است فروکاست همه حوادث آینده در نوع خود منحصر به فرد هستند. (برای تفصیل در مورد تقابل نگاه خطی به تاریخ با نگاه دوری به آن به فصل سوم رجوع کنید). پس گزاره ۲ چیزی جز بسط لوازم منطقی گزاره ۱ نیست. گزاره ۶ هم در واقع تفصیل همان اجمالی است که در گزاره ۲ و ۱ شاهد آن هستیم. به عبارت دیگر از انضمام این دو امر که زمان به صورت خطی به پیش می رود و حوادث آینده، یکه و برگشت ناپذیر هستند به این نتیجه می رسیم که آینده نامتعیین است. آینده هنوز محقق نشده است و از آنجایی که همه حوادث آینده منحصر به فرد هستند نمی توان از بررسی آنچه در گذشته رخ داده است به حکمی ایجابی درباره رخ داده های آینده رسید و این بدین معنی است که آینده همچون گذشته متعین نیست. این سه گزاره بیانگر پیش فرضی وجودشناختی درباره آینده و زمان هستند. گزاره ۵ بیانگر پیش فرضی معرفت شناختی درباره آینده است که از دل سه گزاره وجودشناختی پیشین حاصل می آید. اگر بپذیریم که الف) زمان به صورت خطی و پیوسته به پیش می رود و ب) حوادث آینده برگشت ناپذیر، یگانه و منحصر به فرد هستند و ج) آینده نامتعیین است؛ لاجرم به این نتیجه معرفتی می رسیم که د) نمی توان دانشی واقعی درباره آینده داشته باشیم. فقط می توان درباره امری معرفتی ایجابی دانست که ممکن باشد.

با بررسی این نه گزاره می توان با تسامح و تقریب آنها را در سه دسته اساسی قرار داد. ناگفته پیداست که گزاره های موجود در این سه دسته با یکدیگر هم پوشانی دارند.

الف) پیش فرض های وجودشناختی و معرفت شناختی: گزاره های ۱ و ۲ و ۵ و ۶

ب) پیش فرض های ارزش شناختی: گزاره های ۳ و ۴ و ۹

ج) پیش فرض های جهان شناختی و انسان شناختی: گزاره های ۷ و ۸

فلاسفه اسلامی به‌طور مستقیم به بحث درباره «آینده» ننشسته‌اند و باید چنین مبحثی را در لابه‌لای مباحث مختلف آنان جست‌وجو و ردگیری کرد. در طول زمان نوشتن این رساله و علی‌رغم فحص و جست‌وجو در میان منابع فارسی و انگلیسی و تا حد امکان در میان منابع عربی نتوانستم به منبعی دسترسی پیدا کنم که به نحو خاص مفروضات وجودشناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی، انسان‌شناختی و جهان‌شناختی آینده‌پژوهی را با مبادی و مفروضات نظیرش در فلسفه اسلامی مقایسه کرده و تطبیق داده باشد. از این جهت تا آنجا که من می‌دانم، موضوع این رساله در نوع خود اولین اثری است که چنین مضمونی را بررسی کرده است. با توجه به این نکته و با پیش چشم‌داشتن گزاره‌های نه‌گانه و ندل‌بل به بررسی متون، موضوعات، مباحث، مضامین فلاسفه اسلامی پرداختم. دست‌آخر، در میان مباحث مطروحه در فلسفه اسلامی با چهار مبحث مواجه شدم که شانه‌به‌شانه مضامین آینده‌پژوهی می‌زد: گزاره‌های ممکن‌الاستقبالی، جبر و اختیار، فلسفه تاریخ و آرمان‌شهر.

مباحث مربوط به گزاره‌های ممکن‌الاستقبالی و فلسفه تاریخ ناظر هستند به پیش‌فرض‌های وجودشناختی و معرفت‌شناختی آینده‌پژوهی (قسم الف در تقسیم‌بندی بالا). مبحث جبر و اختیار ناظر است به پیش‌فرض‌های انسان‌شناختی آینده‌پژوهی (قسم ج در تقسیم‌بندی بالا) و نهایتاً مبحث آرمان‌شهر ناظر است به پیش‌فرض‌های ارزش‌شناختی آینده‌پژوهی (قسم ب در تقسیم‌بندی بالا).

در این رساله ما از این چهار منظر به‌هم‌پیوسته به این مهم پرداخته‌ایم. ما تنها به مبادی کلی پرداخته‌ایم، مبادی‌ای که آینده‌پژوهی با مفروض و مسلم گرفتن آنها کار خویش را شروع کرده ولی چندان درباره آنها سخن نمی‌گوید. هر علمی مقولات و اصول موضوعه‌ای دارد که کار خویش را از آنها شروع می‌کند؛ مقام بحث و تفصیل این مبادی فلسفه است.

در فصل اول به مسئله تعیین یا عدم تعیین آینده و گزاره‌های مربوط به آن پرداخته‌ایم. یکی از پیش‌فرض‌های آینده‌پژوهی این است که آینده به‌طور کامل از پیش تعیین‌شده نیست. آینده پیشاپیش و به‌صورت اجتناب‌ناپذیر بر انسان‌ها تحمیل نشده است؛ آینده و باز و خاتمه نیافته است.

یکی از بحث‌های مهم در فلسفه اسلامی این است که آیا حوادث آینده متعین و از قبل معلوم است یا نامتعین و گشوده است؛ به عبارت دیگر، آیا حوادث آینده دارای امکان استقبالی هستند یا نه؟ آیا آینده اجتناب‌ناپذیر است یا نه؟ چنان‌که می‌بینیم پاسخ به این پرسش حکم به امکان یا امتناع آینده‌پژوهی است.

در فصل دوم به مسئله فاعلیت انسانی پرداخته‌ایم. یکی از پیش‌فرض‌های آینده‌پژوهی این است که انسان‌ها موجوداتی فعال، مصمم و هدف‌گرا هستند. طبق این تلقی در هر برنامه و رهیافتی برای آینده فاعلیت انسانی شرط است. آیا انسان‌ها موجوداتی منفعل، تحت تأثیر جبر، سبب و اسیر شرایط هستند یا آنان مخلوقات خودآگاه، پویا و خلاق هستند که مدام طرح‌های خود را بر آینده می‌افکنند؟ این همان مسئله‌ای است که در سنت فلسفه و کلام اسلامی مسئله جبر و اختیار را شکل می‌دهد.

در فصل سوم به الگوهای کلی تاریخی یا فلسفه تاریخ پرداخته‌ایم. هر نگاهی به آینده متضمن گونه‌ای فلسفه تاریخ است. در هر فلسفه تاریخی ما به شیوه‌ای متفاوت رابطه خود را با گذشته، حال یا آینده سامان می‌بخشیم. فلسفه تاریخی را که در آینده‌پژوهی مستتر و مفروض است، به اصطلاح، نگاه خطی به تاریخ می‌خوانند؛ اما در تاریخ تفکر بشری با تلقی‌های دیگری هم از کلان‌الگوی تاریخ مواجه هستیم. آیا می‌توان از آثار فلاسفه اسلامی نوعی فلسفه تاریخ استخراج کرد؟ مبانی و مفروضات این فلسفه تاریخ چیست؟

در فصل چهارم به مسئله آرمان‌شهر و مدینه فاضله پرداخته‌ایم. آینده‌پژوهان یکی از روش‌های بنیادین آینده‌پژوهی را فاصله‌گذاری از طریق آرمان‌شهر و همچنین دیگر مکان‌های کامل، ناکجاآباد و دور می‌دانند. این فرض زمان حال را می‌گشاید و امکان خلق آینده‌های بدیل را فراهم می‌کند. آیا چنین تصویری در سنت فلسفه اسلامی موجود است یا نه؟ اگر پاسخ مثبت است مبانی و اقتضائات چنین نگاهی تا کجا امکان گسترش دارد؟